

« بررسی برنامه‌های درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی ازدیدگاه استادان علوم تربیتی به منظور ارتقای سطح آگاهی‌های زیست محیطی دانش‌آموختگان این رشته»

محمد حسین پور^۱

محمدصادق سخاوت‌جو^{۲*}

sekhavatjou@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۸۷/۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۸۷/۴/۲۰

هدف این پژوهش، بررسی برنامه‌های درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی در آموزش عالی ایران از دیدگاه استادان علوم تربیتی و ارایه راهکارهایی به منظور افزایش سطح آگاهی‌های زیست محیطی و نیل به سوی توسعه پایدار است. تحقیق از نوع کاربردی و روش زمینه یابی است. جامعه آماری شامل ۵۰۰ نفر از استادان علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی سراسر کشور است که پس از تعیین حجم نمونه تعداد یکصد نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب و پرسشنامه (۸۳ گویه) محقق ساخته روی آن‌ها اجرا گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی (فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون χ^2) انجام شده است.

نتایج این بررسی نشان می‌دهد برنامه‌های درسی فعلی با وضعیت مطلوب فاصله زیاد داشته و نیاز به بازنگری جدی دارد. همچنین در شرایط موجود سطح آگاهی و اطلاعات دانش‌آموختگان رشته آموزش و پرورش ابتدایی در رابطه با محیط زیست در حداقل قرار دارد. این در حالی است که مفاهیمی نظیر حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن و آموزش شیوه‌های درست مصرف کردن منابع طبیعی نظیر آب، کاغذ و سایر موارد با منشاء طبیعی در سنین کودکی و در مقطع ابتدایی بسیار نتیجه بخش و اثرگذاری بیشتری خواهد داشت و موجب پرورش نسل آتی بر مبنای اصول توسعه پایدار می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش و پرورش ابتدایی، برنامه درسی، محیط زیست، توسعه پایدار، آموزش عالی.

۱- استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان.

۲- استادیار، گروه مهندسی محیط زیست، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات خوزستان* (مسئول مکاتبات).

مقدمه

برنامه درسی جوهره هر فعالیت آموزشی و یکی از عناصر مهم ارتقاء کیفیت آموزش عالی و تناسب دانش و مهارت دانش آموختگان، با توجه به آخرین دستاوردهای علمی و فن‌آوری و نیاز بازار کار است (۱). از این حیث، بازنگری مداوم در برنامه‌های درسی و روزآمد کردن آن‌ها باعث ایفای رسالت‌های اصلی آموزش عالی در ارتباط با آرمان‌ها و نظام ارزشی جامعه، تولید و غنا بخشی به دانش و فرهنگ، تربیت نیروی متخصص مورد نیاز، تسریع و تسهیل فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، برقراری ارتباط متقابل بین دانشگاه‌ها و موسسه‌های آموزش عالی با دیگر بخش‌های علمی، صنعتی، اقتصادی و خدماتی می‌گردد. به طور کلی در بررسی برنامه‌های درسی و چگونگی تصمیم‌گیری نسبت به آن‌ها در آموزش عالی می‌توان به عدم تطابق با فرصت‌های شغلی و عدم رضایت فارغ‌التحصیلان از مطالعات خود اشاره کرد. یکی از دلایل مهم وجود این مشکلات، ساختار متمرکز تصمیم‌گیری نسب به برنامه‌های درسی می‌باشد (۲). همچنین اجرای تغییرات و نوآوری‌های مربوط به برنامه‌های درسی در یک سازمان حرفه‌ای و تخصصی بسیار مشکل و نیازمند وجود شرایط متعدد است (۳). ذکر این نکته ضروری است که شرایط محیطی از عوامل مهم ارایه یا تدوین درس‌های جدید است (۴ و ۵). برخی از این شرایط و عوامل متعدد دخیل در برنامه‌ریزی درسی شامل ارزش‌ها، فرهنگ، روابط و خط مشی‌ها بوده که داشتن رویکرد سیستمی در بررسی همه جانبه آن‌ها الزامی است (۶).

علیرغم همه تلاش‌های شورای عالی برنامه‌ریزی در بهره‌گیری از تخصص، توان فکری و عملی استادان دانشگاه‌ها، هنوز کاستی‌هایی وجود دارد. از نظر استادان هدف اصلی برنامه درسی آموزش عالی در ایران بایستی تربیت انسان متفکر و منطقی باشد (۷). از نظر دانشجویان اصلاح و بازنگری در برنامه‌های درسی، تغییر محتوای برخی دروس به منظور نیل به توسعه پایدار در اولویت اول قرار دارد. باید عنوان نمود که بین

برنامه درسی و پیشرفت‌های اخیر با نیازهای امروز جامعه تطابق وجود ندارد. تناسبی بین مطالب ارایه شده و قابلیت‌های شغلی دانش آموختگان دیده نمی‌شود (۶) و دانش آموختگان قدرت انتقال مطالب مربوط به حفظ محیط زیست با روشی ساده را به دانش‌آموزان ندارند.

با توجه به یافته‌های حاصل از بررسی تطبیقی برنامه درسی تربیت معلم ایران و چند کشور جهان می‌توان دریافت که برنامه درسی تربیت معلم ایران به صورت خطی تنظیم شده و تقدم و تأخر درس‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند، عمدتاً اصالت با موضوع یا رشته تخصصی در برنامه درسی تربیت معلم است و به حرفه معلمی کمتر توجه شده است، برنامه‌ریزان درسی تربیت معلم بین دروس تربیتی و حوزه تخصصی ارتباط و هماهنگی برقرار نکرده‌اند، برنامه‌ریزان درسی تربیت معلم در ایران بیشتر مقید به حجیم ترک کردن کتب درسی تربیت معلم بوده‌اند و به طور کلی برنامه درسی تربیت معلم ایران رویکرد موضوع محوری دارد (۸ و ۹). هم‌چنین براساس بررسی برنامه‌های درسی رشته علوم تربیتی در آموزش عالی ایران و توجه به اهداف کلی برنامه‌های درسی مبتنی بر عناصر محتوا و روش آموزش، مشخص شده جنبه‌های نظری برنامه‌ها نسبت به عملی بسیار بیشتر بوده است. هم‌چنین برنامه‌های درسی در ایجاد زمینه مهارت‌های ویژه و تخصصی، مهارت‌های تحقیقی و مهارت‌های عمومی مانند مهارت‌های مربوط به جلوگیری از آلوده شدن محیط زیست پاسخگوی نیازها نبوده است (۱۰). لذا برای بهبود برنامه‌های درسی رشته علوم تربیتی، باید با رویکردی تلفیقی شامل شهروندمداری، انسان‌گرایانه، طبیعت‌گرایانه و از همه مهمتر نیل به اهداف توسعه پایدار، باید برنامه‌های درسی در همه ابعاد از جمله محتوا، روش آموزش و ارزشیابی، متناسب با نیازهای فعلی جامعه تغییر داده شوند (۱۱).

با توجه به این که آموزش در هر کشوری مبنای پایه‌گذار اصول توسعه پایدار در آن کشور است (۱۲) و براساس

مواد و روش ها

براساس گردآوری اطلاعات مربوط به رشته آموزش و پرورش ابتدایی در بین واحدهای دانشگاهی و شناسایی واحدهایی که دارای چنین رشته ای می باشند. پرسش نامه ای در این رشته بر پایه چهار فرضیه تدوین و سپس به جامعه آماری که در برگیرنده اساتید رشته های علوم تربیتی کلیه واحدهای دانشگاهی دارای رشته آموزش و پرورش ابتدایی در سطح دانشگاه آزاد اسلامی ارایه گردیده است و در نهایت داده های حاصل با نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. جهت پاسخگویی به سوالات و بررسی فرضیه های مطرح شده نخست، با استفاده از مطالعه نظری محیط آموزش عالی، رسالت های کلی آموزش عالی و آموزش عالی ایران و سیر تحول برنامه و رویکردها و نقاط قوت و ضعف آن و جهت گیری های برنامه های درسی آموزش عالی و سپس با استفاده از مطالعه میدانی (بررسی نظرات استادان علوم تربیتی دانشگاه آزاد در رشته آموزش و پرورش ابتدایی با استفاده از پرسشنامه بسته پاسخ و باز پاسخ) اطلاعات جمع آوری شده است. با بررسی مشخصات کلی برنامه و سرفصل دروس رشته آموزش و پرورش ابتدایی و هم چنین شناسایی دانشگاه های دارای رشته آموزش و پرورش ابتدایی در سطح دانشگاه های آزاد اسلامی، جامع آماري مورد سوال کلیه اعضای هیأت علمی رشته آموزش و پرورش ابتدایی دانشگاه آزاد اسلامی در ۱۱ منطقه دانشگاه آزاد اسلامی انتخاب گردیده است. نمونه گیری در این تحقیق با استفاده از روش خوشه ای در ۲۰ واحد دانشگاهی از مناطق ۱۱ گانه سراسر کشور (منطقه ۱؛ بوشهر، کازرون، گچساران و یاسوج، منطقه ۲؛ مرند، منطقه ۳؛ بابل و قائم شهر، منطقه ۴؛ خمینی شهر و خوراسگان، منطقه ۵؛ بروجرد، منطقه ۶؛ اهواز، مسجد سلیمان، ایذه و امیدیه، منطقه ۸؛ قم، منطقه ۹؛ مشهد، منطقه ۱۰؛ آزاد شهر و گرمسار، منطقه ۱۱؛ کرمانشاه و ایلام) انجام شده است. با مراجعه حضوری یا از طریق پست برای کلیه استادان علوم تربیتی واحدهای دانشگاهی فوق الذکر، پرسشنامه

مشاهدات و مرور مطالب کتاب های درسی، تا کنون روش های آموزش مطالب مرتبط با مباحث زیست محیطی و چگونگی حفظ و جلوگیری از تخریب آن در رشته آموزش و پرورش ابتدایی متناسب با نیازهای فعلی جامعه نبوده به ویژه آنکه معلمان مقطع ابتدایی از مهارت های اندکی جهت آموزش مفاهیم زیست محیطی به دانش آموزان برخوردار هستند. این امر از آنجا حائز اهمیت بیشتری است که پرورش نسل آتی کشور در این مقطع انجام می پذیرد. بدین منظور تحقیق حاضر بررسی برنامه های درسی رشته آموزش و پرورش آموزش عالی را با دیدگاه محیط زیست و توسعه پایدار مدنظر قرار داده است. در این راستا ملاحظات و فرضیه های پژوهش جهت تدوین روش مطالعه و تحقیق که شامل چهار فرضیه بوده به شرح زیر می باشند:

فرضیه اول: عناصر (اهداف، محتوا، روش آموزش) و رویکرد برنامه های درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی با نیازهای دانشجویان در ارتباط با محیط زیست تفاوت وجود دارد.

فرضیه دوم: برنامه های درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی در ایجاد زمینه برای تقویت مهارت های عمومی در یادگیری با نیازهای دانشجویان در ارتباط با محیط زیست تفاوت وجود دارد.

فرضیه سوم برنامه های درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی در ایجاد زمینه برای تقویت اطلاعات و مهارت های ویژه و تخصصی (نظیر ارایه آموزش های زیست محیطی) با نیازهای دانشجویان تفاوت وجود دارد.

فرضیه چهارم: نحوه ارزشیابی از آموخته های دانشجویان در برنامه درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی با نیازهای دانشجویان در ارتباط با علوم مختلف محیط زیستی تفاوت وجود دارد.

نحوه امتیاز دهی برای هر گزینه یا مقیاس به شرح زیر تعیین گردیده است:

گزینه خیلی زیاد = ۵، گزینه زیاد = ۴، گزینه کم = ۲ و گزینه خیلی کم = ۱

همچنین در بررسی میانگین‌ها، ارزشگذاری قراردادی به شرح زیر مدنظر قرار گرفته است.

۵، $۱ < ۱-۱/۵ =$ خیلی کم
 ۵، $۴ < ۳-۴/۵ =$ زیاد

نتایج تحقیق:

جدول ۱ میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره ارزیابی استادان از فرضیه‌های تحقیق را نشان می‌دهد. براساس جدول فوق در فرضیه اول میانگین و انحراف معیار ارزیابی اساتید به ترتیب ۲/۰۴ و ۰/۳۵، در فرضیه دوم ۱/۸۲ و ۰/۴۱، در فرضیه سوم ۲/۱۷ و ۰/۳۶ و در فرضیه چهارم ۲/۱۱ و ۰/۴۵ می‌باشد.

جدول ۱- ارزیابی توصیفی استادان علوم تربیتی به فرضیه‌های تحقیق

تعداد	حداکثر نمره	حداقل نمره	انحراف معیار	میانگین	شاخص آماری فرضیه
۱۰۰	۳/۰۴	۱/۱۳	۰/۳۵	۲/۰۴	فرضیه اول
۱۰۰	۲/۹۳	۱/۰۶	۰/۴۱	۱/۸۲	فرضیه دوم
۱۰۰	۳/۴۲	۱/۴۴	۰/۳۶	۲/۱۷	فرضیه سوم
۱۰۰	۳/۵۷	۱/۰۰	۰/۴۵	۲/۱۱	فرضیه چهارم

دوم؛ Z محاسبه شده در سطح خطاپذیری (۰/۰۵) و معنی‌داری ۰/۰۰۱ برابر با ۸/۶۳ می‌باشد که نشان می‌دهد، بین وضع موجود و وضع مطلوب در مورد این فرضیه نیز تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید می‌گردد. به نظر استادان علوم تربیتی بین وضع موجود و وضع مطلوب اختلاف زیادی مشاهده می‌شود. با توجه به نتایج آزمون (Z) برای

ارسال و در نهایت تعداد ۱۰۰ پرسشنامه (با توجه به این که حجم نمونه در تحقیقات توصیفی، حداقل ۱۰۰ مورد می‌باشند لذا می‌توان به یافته‌های آن استناد کرد) (۱۳ و ۱۴) واصل گردید که مورد بررسی قرار گرفته است. برای محاسبه روایی پرسش نامه‌ها، از نظرات ۳۰ نفر از متخصصان این رشته استفاده شده و روا بودن پرسش نامه مورد تأیید آنها قرار گرفته است. برای محاسبه پایایی نتایج پرسش نامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر این اساس ضریب محاسبه شده برابر ۰/۹۶ بوده که نشان دهنده پایایی بالای نتایج حاصل است.

همچنین روش تجزیه و تحلیل آماری داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های اخذ شده براساس مقیاس درجه‌بندی چهارگانه لیکرت استوار بوده است. در این پژوهش، پرسش‌ها براساس مقیاس چهارگانه درجه‌بندی لیکرت شامل خیلی کم، کم، زیاد و خیلی زیاد تنظیم شده و گزینه یا مقیاس متوسط نیز به دلیل بالا بردن دقت پاسخ دهندگان حذف گردیده است.

هم چنین جدول ۲ به تحلیل دیدگاه استادان علوم تربیتی دانشگاه آزاد سراسر کشور می‌پردازد. در فرضیه اول؛ Z محاسبه شده در سطح خطاپذیری (۰/۰۵) و معنی‌داری ۰/۰۰۱ برابر با ۸/۶۷ می‌باشد که نشان می‌دهد، در این فرضیه بین وضع موجود و وضع مطلوب تفاوت معناداری وجود دارد. بنابراین فرضیه اول تأیید می‌گردد. هم چنین در فرضیه

خطاپذیری (۰/۰۵) و معناداری ۰/۰۰۰۱ برابر با ۸/۵۲ می باشد که بیانگر وجود تفاوت معنی داری بین وضع موجود و وضع مطلوب در مورد این فرضیه تفاوت است، بنابراین فرضیه چهارم تأیید می گردد.

مقایسه وضع موجود و مطلوب فرضیه سوم می توان دریافت که Z محاسبه شده در سطح خطاپذیری (۰/۰۵) و معنا داری ۰/۰۰۰۱ برابر ۸/۶۸ می باشد. بنابراین، فرضیه سوم تأیید می گردد. در نهایت نتایج آزمون (Z) برای مقایسه وضع موجود و مطلوب فرضیه چهارم از نظر اساتید علوم تربیتی دانشگاه آزاد سراسر کشور نشان می دهد، Z محاسبه شده در سطح

جدول ۲- نتایج آزمون آماری (Z) براساس ارزیابی استادان از فرضیه های تحقیق

فرضیه	وضعیت	میانگین	انحراف معیار	مقدار Z	سطح معناداری P
فرضیه اول	وضع موجود	۲/۰۴	۰/۳۵	۸/۶۷	۰/۰۰۰۱
فرضیه دوم	وضع موجود	۱/۸۲	۰/۴۱	۸/۶۳	۰/۰۰۰۱
فرضیه سوم	وضع موجود	۲/۱۱	۰/۴۵	۸/۶۸	۰/۰۰۰۱
فرضیه چهارم	وضع موجود	۲/۱۱	۰/۴۵	۸/۵۲	۰/۰۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

بر مبنای پاسخ های استادان علوم تربیتی به پرسش های فرضیه دوم، میانگین وضع موجود ۱/۸۲ می باشد. نتیجه نشان می دهد، بین وضع موجود و وضع مطلوب تفاوت معنی داری وجود دارد. یعنی برنامه های موجود در جهت تقویت مهارت های عمومی و قابلیت مواد درسی در توانا ساختن دانشجویان برای استفاده از تکنولوژی روز، پاسخگوی نیازهای دانشجویان نمی باشد. بنابراین فرضیه دوم تأیید می گردد.

فرضیه سوم برنامه های درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی در ایجاد زمینه برای تقویت اطلاعات و مهارت های ویژه و تخصصی نظیر ارایه آموزش های کارآمد زیست محیطی با نیازهای دانشجویان با نیازهای دانشجویان تفاوت وجود دارد.

بر مبنای پاسخ های استادان علوم تربیتی به پرسش های فرضیه سوم، میانگین وضع موجود ۲/۱۷ می باشد. نتیجه نشان می دهد، بین وضع موجود و وضع مطلوب تفاوت معنی داری وجود دارد. یعنی برنامه درسی موجود در جهت تقویت اطلاعات و مهارت های ویژه تخصصی نظیر آموزش دانش زیست محیطی

فرضیه اول: عناصر (اهداف، محتوا و روش آموزش) و رویکرد برنامه های درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی با نیازهای دانشجویان در ارتباط با محیط زیست تفاوت وجود دارد.

بر مبنای پاسخ های استادان علوم تربیتی به این فرضیه (جدول ۲) میانگین وضع موجود ۲/۰۴ می باشد. نتیجه نشان می دهد، بین وضع موجود و وضع مطلوب تفاوت معنی داری وجود دارد. یعنی برنامه های درسی موجود نمی تواند پاسخگوی نیازهای دانشجویان در ارتباط با ارایه مفاهیم و آگاهی های مرتبط با علوم مختلف محیط زیستی باشد. لازم به توضیح است که مطالعه مشابهی در دسترس نبوده تا بتوان نتایج حاصل از این تحقیق را با آن مقایسه نمود.

فرضیه دوم: برنامه درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی در ایجاد زمینه برای تقویت مهارت های عمومی در یادگیری با نیازهای دانشجویان در ارتباط با محیط زیست تفاوت وجود دارد.

پاسخگوی نیازهای دانشجویان نیست. بنابراین فرضیه سوم تأیید می‌گردد.

فرضیه چهارم: نحوه ارزشیابی از آموخته‌های دانشجویان در برنامه درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی با نیازهای دانشجویان در ارتباط با علوم مختلف محیط زیستی تفاوت وجود دارد.

بر مبنای پاسخ‌های استادان علوم تربیتی به این فرضیه، میانگین وضع موجود ۲/۱۱ می‌باشد. نتیجه نشان می‌دهد، بین وضع موجود و وضع مطلوب تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بنابراین فرضیه چهارم تأیید می‌گردد.

بر اساس اطلاعات به دست آمده، بیشترین نقاط ضعف را مربوط به ناکافی و ناکارآمدی مطالب درسی موجود در زمینه محیط زیست، توجه نداشتن به اهمیت مسایل محیط زیستی و نقش آن در پرورش نسل‌ها، پایین بودن سطح دانش اساتید در رابطه با مسایل مختلف محیط زیست و در نهایت عدم وجود برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری منسجم در رابطه با مسایل محیط زیست در این مقطع تحصیلی می‌توان در جریان ارزشیابی از آموخته‌های دانشجویان شناسایی نمود. بر این اساس و با توجه به پاسخ‌های استادان علوم تربیتی پیرامون برنامه‌های درسی مربوط به هر دوره تحصیلی، می‌توان این چنین استنتاج نمود که نوعی عدم رضایت کلی از وضع موجود عناصر برنامه اعم از محتوا، روش آموزش و ارزشیابی از آموخته‌ها وجود دارد. بدین منظور می‌توان موارد زیر را برای اصلاح، بهبود و تجدیدنظر در برنامه‌های درسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی همسو با نیازها و شرایط موجود و تحقق رسالت‌های آموزش عالی در راستای ارتقای دانش زیست محیطی دانش‌آموختگان رشته آموزش و پرورش ابتدایی مطرح کرد.

۱. برنامه درسی باید بیش از گذشته به افزایش آگاهی دانشجویان در رابطه با مسایل مختلف زیست محیطی توجه کند از طریق:

الف) به عنوان یک موضوع مجزا بین دروس عمومی، اختیاری یا فوق برنامه.

ب) به صورت موضوعی تلفیقی در درس پروژه تحقیقاتی.

در این رابطه اضافه نمودن درس مبانی با محیط زیست در دوره کاردانی و درس روش‌های حفظ و نگه‌داری محیط زیست در دوره کارشناسی رشته آموزش و پرورش ابتدایی در بین دروس عمومی و اختیاری و یا به عنوان فوق برنامه‌های درسی، می‌تواند در بهبود برنامه در جهت نیازها و رسالت‌های کنونی موثر واقع شود. در صورتی که دوره کاردانی این رشته حذف گردد، گنجانیدن درس‌های فوق‌الذکر در دوره کارشناسی این رشته پیشنهاد می‌گردد.

۲- برنامه درسی باید بیش از گذشته بر پژوهش و پرورش روحیه پژوهشگری دربرخورد با طبیعت و مسایل محیط زیست در دانشجویان تأکید کند از طریق:

الف) به عنوان موضوع مجزا متناسب با رشته.

ب) به صورت تلفیقی در همه دروس (هدف مشترک)

در برنامه‌های درسی فعلی دوره کاردانی ۱ واحد عملی و در دوره کارشناسی ۳ واحد (دو واحد نظری و یک واحد عملی) روش تحقیق لحاظ شده است. با توجه به نیازهای موجود از یک سو، افزایش واحدهای مذکور خصوصاً بخش عملی آن‌ها، و از سوی دیگر توجه به این مقوله به عنوان هدف مشترک در همه دروس اعم از دروس عمومی، تخصصی، اصلی و اختیاری و حساس بودن معلمان نسبت به این هدف و توجه به آن در همه عناصر درس اعم از محتوا، روش آموزش و ارزشیابی، در هر دو دوره تحصیلی کاردانی و کارشناسی ضروری است. لازم به ذکر است در این دروس باید زمینه‌های لازم جهت تحقیق و پژوهش در راستای نحوه ارایه مطلوب آموزش‌های زیست محیطی به دانشجویان و دانش‌آموزان از سوی اساتید دروس فراهم گردد.

۳- برنامه درسی بیش از گذشته، بر هدف چگونگی یاد گرفتن و یادگیری مادام‌العمر و همچنین یاددهی تأکید کند از طریق:

الف) به عنوان موضوع مجزا در بین موضوعات عمومی، اختیاری و اصلی.

ب) به عنوان موضوع مجزا (فوق برنامه درسی)

تحقیق، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و روش تدریس می‌تواند راهگشا باشد.

۶- برنامه درسی بیشتر از قبل باید در پرورش مهارت های ارتباطی، توانایی کار گروهی در ارتباط با روش های یاددهی علوم محیط زیست تأکید کند از طریق: الف) به صورت موضوع مجزا در بین دروس عمومی و اختیاری ب) موضوع مجزا (فوق برنامه درسی)

ج) به صورت تلفیقی در همه دروس (هدف مشترک).

۷- برنامه درسی باید بیش از پیش یادگیری را در آموزش و تدریس محور قرار دهد و بر رویکرد عمیق و کسب تجربه فعال دانشجو توجه نماید. به صورت: الف) استفاده از روش های چندگانه حل مسأله، پروژه، کار گروهی، سخنرانی (به تناسب شرایط و موضوع) ب) توسعه دانش معلمان نسبت به روانشناسی یادگیری جهت ایفای نقش بهتر و کمک به دانش‌آموزان یا دانشجویان برای استقلال بیشتر در یادگیری.

۸- ایجاد یک ساختار دایمی در دانشگاه‌ها به منظور استمرار بخشیدن به بازنگری برنامه‌های درسی با لحاظ ضرورت یادگیری و آشنایی با علوم مختلف محیط زیست در راستای نیل به مفاهیمی نظیر توسعه پایدار، رویکرد حاکم در تدوین برنامه‌های درسی این رشته رویکرد تلفیقی (اجتماعی، رشدگرا، فرایند شناختی، طبیعت گرایانه و کل گرا) باشد.

۹- توجه بیشتر به درس هنر، نقاشی، جامعه شناسی بومی و ملی با رویکرد زیست محیطی مبذول شود.

۱۰- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان تربیت معلم براساس مفاهیم توسعه پایدار و پرورش نسل‌های آتی بر مبنای لزوم حفظ منابع طبیعی و اهمیت انجام اقداماتی نظیر بهینه مصرف کردن و جلوگیری از آلودگی محیط زیست انجام پذیرد.

ج) به صورت تلفیقی در همه دروس.

تغییر و تحول سریع در عرصه اطلاعات و دانایی بشر و شتاب گرفتن جریان تولید دانش و همچنین جریان منسوخ شدن دانش کنونی و ضرورت استفاده از منابع اطلاعاتی گوناگون یادگیری مادام‌العمر را طلب می‌کند. با توجه به نتایج پژوهش‌ها، دانشجویان بایستی چگونه یادگرفتن و همچنین یاددهی مسایل مرتبط با علوم محیط زیست را فرا گرفته و این خود مستلزم آموزش است. با توجه به ضعف در کارکرد سطوح آموزشی قبل از دانشگاه در پرورش مهارت های مذکور، ضرورت توجه به آن در برنامه‌های درسی دانشگاهی را ایجاب می‌کند.

۴- برنامه درسی باید بیش از پیش به توسعه دانش زیست‌محیطی، حفظ و حراست از محیط زیست، بهینه مصرف کردن و پاس داشت میراث طبیعی توجه نشان دهد. به صورت:

الف) موضوع مجزا در بین موضوعات عمومی

ب) موضوع مجزا (فوق برنامه درسی)

ج) به صورت تلفیقی در همه دروس (هدف مشترک).

در برنامه درسی فعلی واحدهای عمومی به دلایل مختلف نتوانسته‌اند انتظارات موردنظر را برآورده نمایند. لذا تجدید نظر در این بخش از دروس عمومی برای رسیدن به این انتظارات ضرورت دارد. از جمله راهکارهای پیشنهادی افزایش مطالب درسی در رابطه با عناوین فوق در بین واحدهای عمومی و اضافه نمودن واحدهایی در جهت شناساندن میراث طبیعی ایران به صورت موضوعات عمومی و یا فوق برنامه‌های درسی برای دانشجویان است.

۵- برنامه درسی بیش از پیش بر پرورش تفکر منطقی تأکید ورزد. به صورت:

الف) موضوع مجزا در بین دروس اصلی

ب) به صورت تلفیقی در همه دروس (هدف مشترک) به ویژه در درس های روش تحقیق، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت و روش تدریس

اضافه کردن درسی با نام «آموزش تفکر» به صورت موضوع مجزا و ملحوظ کردن مباحثی از این قبیل در درس های روش

منابع

۱. احمدی، پروین (۱۳۸۰)، طراحی الگوی برنامه درس تلفیقی و مقایسه آن با برنامه‌های درسی موجود در دوره ابتدایی در نظام آموزشی ایران. (پایان نامه دکتری تخصصی)، دانشگاه تربیت مدرس. دانشکده علوم انسانی.
2. Wang, J. (1994). Curriculum decision marking in chines higher education. State university of New York at Albany, <http://w.w.wlib.umi.com/issertations>.
3. Moen, J. (1990). Innovation in academic education, organizational and curriculum development in a New University programme. Erasmus University Rotterdam
4. Andre, J. M. (1998). Curriculum development for the year 2000: A case study of the process of curriculum version in a professional school. University of southern California, <http://www.lib.Umi.com/dissertations>.
5. Kern, A. T. (1994). Accelerated Curriculum Development in Higher Education, under Conditions of Urgent Need: A Case study Texas Teach University
۶. فاضلی، عصمت (۱۳۷۸). خلاصه طرح پژوهش بررسی برنامه درسی رشته روانشناسی و میزان تحقق اهداف آن از نظر مدرسان و دانشجویان دوره‌های تکمیلی. موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری.
۷. وزیر، مژده (۱۳۷۷). نظام برنامه ریزی درسی در آموزش عالی ایران. (پایان نامه دکترای تخصصی). دانشگاه تربیت مدرس.
۸. شعبانی، زهرا (۱۳۸۳). بررسی تطبیقی برنامه تربیت معلم ایران و چند کشور جهان. پژوهشکده تربیت معلم شماره ۳، شماره مسلسل ۷۹. ۱۶۰-۱۲۱.
۹. سلسبیلی، نادر (۱۳۷۰). بررسی دیدگاه مدرسان و دانشجو معلمان نسبت به نقش مراکز تربیت معلم به ایجاد توان خود رهبری و خود ارزشیابی دانشجو معلمان دانشگاه تهران. (پایان نامه کارشناسی ارشد) دانشگاه تهران.
۱۰. عارفی، محبوبه (۱۳۸۳). بررسی برنامه‌های درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی)، آموزشی عالی ایران و رایه راهکارهایی برای بهبود آن. (پایان نامه دکترای تخصصی)، دانشگاه تربیت مدرس تهران دانشکده علوم انسانی.
11. Kinelev, V., Kommers, P. & Kostik, B. (2004). In formation and Communication Technology in Secondary Education: Position Paper, IITE (UNESCO Institute for Information Technology Education), Moscow.
12. Lee S. R. (1998). A Case Study of New Course development in higher education. University of Georgia.
۱۳. دلاور، علی (۱۳۷۹). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران، انتشارات رشد.
۱۴. حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۶۸). مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. تهران، انتشارات سمت.